

# داستان های کوتاه دارن شان

نویسنده: دارن شان  
مترجم: رضا کیامحمدی



## فهرست

۸	مقدمه
۱۱	انشایی درباره‌ی خون آشام‌ها
۱۹	خاطرات روزانه‌ی آنی شان
۲۷	دغدغه‌های آقای تایسی
۳۵	سفر به ترنسیلوانیا
۴۷	عروس سم
۶۱	لفتی تنها
۷۰	کار و بار شبانه
۱۰۱	مؤخره
۱۰۵	درباره‌ی نویسنده

## آشنایی درباره‌ی خون آشام‌ها

نوشته‌ی استیو لئوپارد



متن زیر انشایی تازه یافته شده از استیو لئوپارد است و مربوط به زمانی می‌شود که دانش‌آموز بود. تاریخ دقیق نوشتن این انشاء نامعلوم است، بنابراین مطمئن نیستیم که زمانی که آن را می‌نوشته در چه سنی یا در چه کلاسی بوده ولی می‌توان حدس زد که آن زمان حدوداً یازده یا دوازده ساله بوده است.

## زنده باد خون آشام‌ها!!

خون آشام‌ها خیلی عالی هستند! آن‌ها می‌توانند بدون آن‌که ذره‌ای پیر شوند، قرن‌ها زندگی کنند. همچنین قدرت‌های جادویی زیادی دارند و می‌توانند هر کاری که دلشان می‌خواهد انجام دهند - البته به جز قدم زدن در میان روشنایی روز!

من ۶۲ کتاب درباره‌ی آن‌ها دارم و یا حداقل در هر کدام، چیزی درباره‌ی خون آشام‌ها نوشته شده. مطمئن نیستم تا به حال چند فیلم درباره‌ی خون آشام‌ها دیده‌ام، اما باید حداقل ۵۰ فیلم در این باره دیده باشم، شاید هم کمی بیشتر.

فیلم مورد علاقه‌ی من «سالم لانت»<sup>۱</sup> است. خون آشام‌های این فیلم بسیار ترسناک هستند - طاس و بدقیافه با پنجه‌هایی بلند و دندان‌های نیش تیز. وقتی برای اول بار این فیلم را تماشا کردم شب کابوس دیدم و البته من عاشق دیدن کابوس هستم، پس در کل خیلی عالی بود!

مادرم زیاد به خون آشام‌ها علاقه‌مند نیست، شاید به این دلیل که یک‌بار مقدار زیادی سس گوجه‌فرنگی زیر ملافه‌های تخت‌خوابش خالی کردم - این‌طور شبیه به یک استخر خون شد - و یک خفاش خون آشام پلاستیکی بر روی آن گذاشتم!!

<sup>۱</sup> Salem's Lot' فیلمی بر اساس کتابی با همین نام از استیون کینگ.

افسانه‌های زیادی درباره‌ی خون آشام‌ها وجود دارد. فکر می‌کنم اکثر آن‌ها ساختگی هستند. شک دارم که خون آشام‌ها بتوانند به مِه تبدیل شوند یا این که هیچ سایه‌ای نداشته باشند یا شک دارم که اگر با آب مقدس برخورد داشته یا یک صلیب را لمس کنند تبدیل به خاکستر شوند.

و این که اگر بفهمم آن‌ها واقعاً هیچ تصویر و انعکاسی در آینه ندارند و یا می‌توانند به خفاش تبدیل شده و پرواز کنند بسیار تعجب می‌کنم. منظورم این است که خفاش‌ها باید یاد بگیرند که چگونه پرواز کنند. در صورتی که اگر یک خون آشام تبدیل به خفاش شود به احتمال زیاد سقوط کرده و یاد در زمان تلاش برای پرواز کردن با چیزهای مختلفی برخورد می‌کند.

فکر می‌کنم داستان‌هایی که درباره‌ی خفاش‌ها گفته می‌شود به این دلیل شروع شد که خون آشام‌ها رابطه‌ی ماستانه‌ای با خفاش‌ها دارند. کتاب‌هایی که خونده‌ام - کتاب‌هایی واقعی و جدی درباره‌ی خون آشام‌ها - می‌گویند که خفاش‌ها، موش‌ها و گرگ‌ها به‌نوعی حیوانات دست‌آموز خون آشام‌ها هستند. خون آشام‌ها به این حیوانات غذا می‌دهند و از آن‌ها مراقبت می‌کنند، درست مثل انسان‌ها که به سگ‌ها غذا داده و از آن‌ها محافظت می‌کنند.

من بیشتر ترجیح می‌دهم، به عنوان حیوان خانگی یک خفاش داشته باشم تا یک سگ!

برای کادوی آخرین جشن تولدم از مادرم خواستم برایم یک خفاش یا موش بگیرد، اما او گفت: «نه توی این زندگی، رفیق!» مادر من خیلی خیلی خیلی انسان خسته‌کننده‌ای است!

خون آشام‌ها مجبورند برای زنده ماندن خون بخورند. این قضیه قطعاً صحت دارد.

نمی‌دانم چقدر باید بخورند یا هر چند وقت یک‌بار باید خون بخورند، اما اگر یک خون آشام به مقدار کافی خون نخورد می‌میرد. خوردن خون به خون آشام‌ها کمک می‌کند که مدت زیادی زندگی کنند. من حتی فکر می‌کنم شاید اگر انسان‌ها هم خون می‌خوردند مدت بیشتری زندگی می‌کردند - اما نمی‌دانم شاید هم مریض شده و می‌مردند.

بهترین دوست من دارن شان می‌گوید که لجن خوردن را به خوردن خون ترجیح می‌دهد، اما من فکر می‌کنم خوردن خون خیلی عالی است. زمانی که زانو یا آرنج زخمی شده یا خراش برمی‌دارد، دوست دارم پوست زخم را کنار بزنم و مقدار کمی از خونی که بیرون می‌آید را مزه‌مزه کرده و بخورم. خون خیلی خوشمزه است!

خون آشام‌ها بسیار قدرتمند و سریع هستند، خیلی خیلی قوی‌تر و سریع‌تر از انسان‌ها. آن‌ها می‌توانند به دیوار اجری مشت زده و آن را خرد کنند و همچنین می‌توانند صد متر را در سه یا چهار ثانیه بدوند. اگر یک خون آشام به مسابقات المپیک وارد شود، همه‌ی مدال‌های طلا در همه‌ی مسابقات را درو می‌کند.

اکثر خون آشام‌ها مرد هستند. تعداد کمی خون آشام زن هم وجود دارد؛ اما بیشتر زنانی که می‌خواهند قدرت‌های جادویی داشته باشند و برای مدتی طولانی زندگی کنند، ترجیح می‌دهند که یک ساحره شوند. دلیل این قضیه را نمی‌دانم. اما شاید به این علت باشد که اغلب خون آشام‌ها از افراد بزرگسال تغذیه می‌کنند - در بدن یک

فرد بالغ خون بیشتری وجود دارد- در حالی که اکثر ساحره‌ها بچه‌های کوچک را می‌خورند.

از این رو چون زنان خوب و خوش‌قلب عاشق داشتن بچه‌های کوچک و مراقبت کردن از آن‌ها هستند، حدس می‌زنم این قضیه طبیعی باشد که زنان شیطان صفت عاشق خوردن بچه‌های کوچک باشند!

برای کشتن یک خون‌آشام باید یک میخ چوبی در قلبش فرو کنید، البته لزومی ندارد که آن میخ حتماً از چوب ساخته شده باشد - پلاستیک سخت یا فولاد هم همین کار را می‌کند.

راه دیگر برای کشتن یک خون‌آشام این است که سرش را ببرید و آن را با سیر پُر کنید. همچنین می‌توانید یک خون‌آشام را بسوزانید یا اگر بتوانید زمانی که در طول روز خوابیده او را پیدا کنید، به زیر نور آفتاب بکشید و آن‌جا رهایش کنید تا کاملاً بسوزد.



من برای خون‌آشام‌ها متأسفم چراکه همیشه شکار شده و کشته می‌شوند. فکر می‌کنم مردم باید دست از سر آن‌ها بردارند. سال‌ها

پیش مردم دختران زیبا را برای خدایانشان قربانی می‌کردند و آن خدایان دیگر کاری به کار بقیه‌ی مردم نداشتند.

فکر می‌کنم این کاری است که ما باید برای خون‌آشام‌ها انجام دهیم. اگر ما هر از گاهی به خون‌آشام‌ها چند دختر زیبا بدهیم مطمئنم که آن‌ها فقط از خون این دختران می‌خورند و دیگر به هیچ کس دیگری از مردم آزار نمی‌رسانند.

دوتا از این دخترها در کلاس من هستند که خیلی دوست دارم آن‌ها را به یک خون‌آشام بدهم - ناگفته نماند یکی یا دو تا از معلم‌ها را هم همین‌طور!!!

برای تبدیل شدن به خون‌آشام شما باید از خون یکی از آن‌ها بخورید یا این که آن خون‌آشام باید مراحل انتقال خون را بر روی شما انجام دهد. این قضیه که اگر خون‌آشامی تمام خون شما را بخورد شما تبدیل به خون‌آشام می‌شوید، صحت ندارد! چرا که در این صورت شما به تنها چیزی که تبدیل می‌شوید یک جسد است!!!

من عاشق این هستم که به یک خون‌آشام تبدیل شوم، فکر می‌کنم این خیلی فوق‌العاده است. برای صدها سال دور دنیا پرسه بزنم، وقایع و چیزهایی را ببینم که هرگز به عنوان یک انسان نمی‌بینم. مردم باید هرچه را که گفتم انجام دهند در غیر این صورت خون آن‌ها را خورده و آن‌ها را می‌کشم.

می‌توانم یک کشتی گیر یا یک مشت‌زن شوم و همه‌ی مبارزات را به خاطر قدرت فوق‌العاده‌ام ببرم. می‌خواهم ده‌ها موش یا خفاش دست‌آموز داشته باشم و هر حقه‌ای را که در کتاب‌ها نوشته به آن‌ها آموزش دهم.



شاید حتی اگر تنها شدم با یک ساحره ازدواج کردم، اما اگر او سعی کرد طلسمی روی من پیاده کند او را جلوی گرگ دست‌آموزم خواهم انداخت!

این خیلی فوق‌العاده است که بتوانی یک خون‌آشام باشی، اما فکر نمی‌کنم آن قدر شانس داشته باشم که بتوانم تبدیل به یکی از آن‌ها شوم؛ حداقل نه تا وقتی که بزرگتر شوم، از خانه رفته و مستقل بشوم.

منظورم این است که این دور و اطراف کجا می‌شود تبدیل به یک خون‌آشام شد؟!؟

\*\*\*

# داستان‌های کوتاه دارن شان

کتاب داستان‌های کوتاه دارن شان مجموعه‌ای است از هنرنمایی نویسنده، با روایت‌هایی متفاوت و دلنشین؛ مجموعه‌ای خاص و بوستازیک برای خوانندگان کتاب‌های دارن شان. در این مجموعه، انشایی از پسر بچه‌ای می‌خوانیم که عاشق خون آشام‌هاست، دخترچه خاطرات خواهر دارن شان را ورق می‌زنیم، در کارهای مرموز ارباب شیطانی، آقای تاینی، سرک می‌کشیم، به خاستگاه دراکولا سفر می‌کنیم، داستان عشق سم گرس و روایت هیولای مجارستانی را مرور می‌کنیم، بیا یک آدم کو چولو به نام لفتی همراه خواهیم شد و در نهایت از داستان عشق ناکام ژنرال خون آشام‌ها، گاونر پورل سردر خواهیم آورد...

اگر عاشق کتاب‌های پرهیجان، مخوف و چالش برانگیز هستید، با داستان‌های کوتاه دارن شان همراه شوید.

